

یا مالی نمی‌شود و هر چیزی که دارای ارزش باشد و از آن صرف‌نظر شده باشد می‌تواند به‌عنوان هزینه فرصت تلقی شود. از آن جمله می‌توان به هزینه واقعی محصول صرف‌نظرشده، زمان یا لذت ازدست‌رفته اشاره کرد.

هزینه فرصت ازدست‌رفته با واحدهای اندازه‌گیری فیزیکی سنجیده می‌شود نه پول. در واقع برخی اوقات برای متمایز کردن بین هزینه فرصت‌های ازدست‌رفته و هزینه پولی می‌توان اصطلاح هزینه حقیقی فرصت‌های ازدست‌رفته را به‌کار برد (منکیو، ۲۰۰۸: ۵۴)؛ که همان ارزش واقعی کالای چشم‌پوشی شده است (گرچه آن را با پول نمی‌سنجند اما به این علت که ما ارزش کالاهای فداشده را با پول می‌سنجیم به مجرد شنیدن قیمت یک چیز به‌طور تلویحی اقدام به مقایسه هزینه فرصت‌های ازدست‌رفته با پول می‌کنیم ولی در واقع واحد هزینه فرصت ارزش ذهنی است نه پولی). به دلیل این‌که هزینه فرصت به معنای چشم‌پوشی از مقادیر کالای دیگر است و باید آن کالای چشم‌پوشی شده ارزشی داشته باشد، بدین ترتیب هزینه فرصت به‌طور معمول هزینه‌ای مثبت است. البته در شرایطی مانند کالای رایگان، عوامل تولیدی که بیش از یک مورد مصرف ندارند و بیکاری عمومی، هزینه فرصت صفر است (لیپسی و هاربری، ۱۳۷۸: ۲۸). در ادامه به توضیح موارد استثنای پردازیم.

کالای رایگان: تعداد کمی کالا وجود دارند که طبیعت به‌وفور در دسترس ما قرار می‌دهد و در نتیجه مصرف‌شان متضمن هیچ‌گونه هزینه فرصت ازدست‌رفته‌ای نیست. در بسیاری از روستاها میوه‌های وحشی گوناگونی در جنگل‌ها و کنار پرچین‌ها رشد می‌کنند. تنها کاری که فرد برای به‌دست آوردن میوه باید انجام دهد آن است که این میوه‌ها را بچیند. از آنجاکه این میوه‌ها روی زمین‌هایی که بتوان از آنها برای مقاصد دیگر بهره‌گرفت عمل نمی‌آیند، تولیدشان نیز توسط طبیعت مستلزم چشم‌پوشی از محصولات دیگر نیست (گرچه شاید وقتی که برای چیدن میوه گذاشته می‌شود می‌تواند هزینه فرصت آن باشد). یک

Opportunity Cost

مفهوم هزینه فرصت رابطه اساسی بین کمیابی و انتخاب را بیان می‌کند. اگر فعالیتی که برای فرد ارزشمند است کمیاب نباشد تمامی تقاضا برای همه افراد و برای تمامی دوره‌ها تأمین خواهد شد. در این حالت نیازی به انتخاب کردن بین گزینه‌های متفاوت و تعیین فرآیند بهینه تعیین اولویت برای تأمین تقاضا وجود ندارد. ولی با وجود کمیابی، تمامی تقاضاها تأمین نخواهد شد. به‌عبارت‌دیگر، تا زمانی که محدودیت‌های طبیعی تخصیص منابع وجود دارد، کمیابی انتخاب بین گزینه‌های گوناگون را ضروری می‌سازد. در حقیقت خود انتخاب برابر است با رد کردن گزینه‌های دیگر و هزینه فرصت ارتباط تنگاتنگی با فرایند تصمیم‌گیری و انتخاب دارد. انتخابگر و تصمیم‌گیرنده در لحظه تصمیم‌گیری و پیش از آنکه تصمیم بگیرد، در ذهن خود فرصت‌هایی را که با این تصمیم از دست می‌دهد ارزیابی می‌کند؛ بنابراین، این ارزیابی ذهنی به شخص تصمیم‌گیرنده قائم است و از فردی به فرد دیگر تفاوت می‌کند (لیپسی و هاربری، ۱۳۷۸: ۲۷). هزینه فرصت مقدم بر تصمیم‌گیری و مؤثر بر آن است و در تجزیه و تحلیل فرایند انتخاب در رتبه اول آن قرار می‌گیرد.

اگر یک فرد یا یک بنگاه از میان چندین انتخاب متفاوت یکی را برگزیند هزینه فرصت این فرد یا بنگاه معادل است با هزینه مرتبط با بهترین انتخاب ممکن از بین سایر انتخاب‌های باقیمانده ممکن است که از آن صرف‌نظر شده است. البته بیشتر اوقات در اقتصاد، هزینه فرصت در پروژه‌های اقتصادی مطرح می‌شود و هدف اصلی از طرح آن نیز بررسی تخصیص بهینه منابع موجود است. مفهوم هزینه فرصت نقش مهمی در تضمین اینکه منابع کمیاب به‌صورت کارا مورد استفاده قرار گرفته‌اند یا نه بازی می‌کند (منکیو، ۱۹۹۷: ۶). بنابراین، هزینه فرصت محدود به هزینه‌های پولی

مثال دیگر می‌تواند اکسیژن هوا باشد. تنفس اکسیژن متضمن هزینه‌ای واقعی نیست، برای آن که (حداقل در حال حاضر) اکسیژن به‌وفور برای تنفس در دسترس همه است. در واقع با مصرف اکسیژن فرصت دیگری که می‌توانست برای مقاصد دیگر به‌کار رود را از دست نمی‌دهیم.

عوامل تولیدی که یک مورد استفاده بیشتر ندارند: هزینه فرصت از دست‌رفته زمانی مثبت خواهد بود که منابع مورد استفاده در تولید دارای امکانات استفاده متعددی باشند. بنابراین، جایی که چنین امکانات متعددی وجود ندارد هزینه فرصت از دست‌رفته نیز وجود نخواهد داشت. این قبیل مثال‌ها بیشتر شامل تجهیزات سرمایه‌ای است که اغلب یک مورد استفاده بیشتر ندارند. برای مثال، یک نیروگاه آبی فقط می‌تواند برق تولید کند و نه چیزی دیگر؛ از یک معدن ذغال‌سنگ یا می‌توان ذغال‌سنگ استخراج کرد یا باید آن را بی‌استفاده گذاشت. منابعی که یک مورد استفاده بیشتر ندارند را عوامل ویژه تولید می‌نامند. البته منابعی که برای فراهم آوردن این گونه سرمایه‌های ویژه به‌کار رفته‌اند، در گذشته دارای موارد استفاده متعددی بوده‌اند، اما از هنگامی که فراهم آمده‌اند دیگر فقط همین یک مورد استفاده را دارند.

بیکاری عمومی: هزینه فرصت معلول امکان استفاده‌های گوناگون از عوامل تولید است. وقتی از یک عامل تولید برای تولید کالایی استفاده می‌شود دیگر نمی‌توان آن عامل را برای تولید کالای دیگر به‌کار برد. بنابراین، مثلاً اگر عوامل تولیدی که تا کنون برای ساختن مدارس استفاده می‌شد را امروز در ساختن بیمارستان به‌کار گیریم، هزینه‌های فرصت از دست‌رفته را می‌توان براساس تعداد مدرسه در ازای ساختن هر عدد بیمارستان بیان کرد. حال اگر در موردی با کارگران ساختمانی بیکار و جرثقیل، آجر و سایر مصالح بلااستفاده مواجه باشیم می‌توانیم بدون آنکه مجبور باشیم مدارس (یا هر چیز دیگر) کمتری بسازیم، اقدام به ساختن بیمارستان کنیم. باید توجه داشت که این حالت خاص زمانی

است که کلیه عوامل تولید بیکار باشند یا به عبارت دیگر بیکاری عمومی حاکم باشد. یعنی در مثال مذکور هنگامی این حالت خاص اتفاق می‌افتد که تمامی عوامل تولید مورد نیاز برای ساختن بیمارستان بیکار باشند. از این‌رو، هزینه فرصت‌های از دست‌رفته استفاده از موارد مذکور صفر هستند.

تفاوت هزینه فرصت با هزینه حسابداری

هزینه فرصت با هزینه حسابداری تفاوت دارد. هزینه حسابداری به‌دست آوردن یک چیز پولی است که برای آن می‌پردازیم، ولی هزینه فرصت چیزهایی است که می‌توانستیم با آن پول به‌دست آوریم ولی از آن چشم‌پوشی می‌کنیم (نظری، ۱۳۹۲: ۱۰۷). هزینه فرصت بر انتخاب یک پروژه اثر می‌گذارد و اجرای آن پروژه سبب پدید آمدن هزینه حسابداری می‌شود.

تصوری که اقتصاددانان و مدیران از مفهوم هزینه دارند و در تحلیل‌های خود استفاده می‌کنند با مفهومی که حسابداران از هزینه دارند متفاوت است. هزینه‌ها باید از دید اقتصادی محاسبه شوند تا بتوان براساس آن تصمیم‌گیری کرد. از دید اقتصادی هزینه هر کالا یا خدمتی همه فرصت‌ها و یا امکاناتی است که از دست می‌دهیم تا آن کالا یا خدمت را تولید کنیم (ابونوری، ۱۳۹۱: ۴۷۶). از این‌رو، افراد هنگام انتخاب از تحلیل هزینه‌های اقتصادی استفاده می‌کنند. برای روشن‌تر شدن تفاوت هزینه فرصت و هزینه‌های حسابداری به مثال‌های زیر توجه کنید.

اگر فردی بخواهد درس بخواند هزینه‌های درس خواندن شامل هزینه شهریه، هزینه کتاب، خودکار و کرایه ماشین تا دانشگاه است که به این نوع هزینه‌ها هزینه‌های آشکار یا صریح درس خواندن گفته می‌شود ولی افزون‌بر هزینه‌های آشکار، درس خواندن هزینه‌های پنهان یا ضمنی نیز دارد، هزینه پنهان درس خواندن فرد زمانی است که از دست می‌دهد. برای مثال، اگر فرد به دانشگاه نمی‌رفت

هزینه فرصت

انتخاب‌های باقی‌مانده خواهد بود. هزینه فرصت یا هزینه فرصت ازدست‌رفته هر تصمیم یا انتخاب برابر است با بالاترین فرصت یا فایده ازدست‌رفته ناشی از انتخابی که می‌توانست به‌جای انتخاب مزبور با صرف همان مقدار منابع و زمان به‌کاررفته صورت گیرد. این تحلیل (هزینه فرصت) مبنای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع است.

کتاب‌شناسی

ابونوری، عباسعلی (۱۳۸۸). اقتصاد خرد. جلد دوم. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

لیپسی، ریچارد جی؛ هاربری، کالین (۱۳۷۸). اصول علم اقتصاد. ارشاد فکری، مشهد، نیکا، چاپ اول.

نظری، محسن (۱۳۹۲). مبانی علم اقتصاد، تهران: انتشارات نگاه دانش.

Mankiw, N. Gregory (1997). Principles of Economics. South-Western Cengage Learning.

Mankiw, N. Gregory (2008). Principles of Microeconomics. South-Western Cengage Learning.

محسن نظری

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

می‌توانست در جایی کار کند و درآمدی به‌دست آورد. اکنون به دلیل تحصیل آن درآمد را از دست داده است، بنابراین، آن درآمد نیز باید جزء هزینه‌های درس خواندن فرد منظور شود (منکیو، ۱۹۹۷: ۷). در حسابداری فقط هزینه‌های آشکار مدنظر قرار می‌گیرد ولی در علم اقتصاد هم هزینه‌های آشکار و هم هزینه‌های پنهان باید در تصمیم‌گیری‌ها مدنظر قرار گیرد. هزینه‌های آشکار همان هزینه‌هایی است که بابت آن باید پرداختی (پول) انجام دهیم ولی هزینه‌های پنهان هزینه عوامل تولیدی است که متعلق به خود فرد است.

مثالی دیگر؛ فرض کنید زمینی دارید که هزینه نگهداری ندارد، یعنی احتیاج به نگهدارنده ندارد. اگر شما بخواهید زمین را یک سال نگهداری کنید هزینه‌های نگهداری زمین چه مقدار است؟ از نظر حسابداری هزینه‌های نگهداری زمین صفر است زیرا بابت نگهداری آن پولی نمی‌پردازید. یعنی نگهداری زمین هزینه‌های آشکار ندارد، ولی هزینه‌های پنهان نگهداری دارد (ابونوری، ۱۳۹۱: ۱۷۴). برای مثال، فرض کنید می‌توانستید زمین را سالانه یک میلیون تومان اجاره دهید، اکنون به دلیل نگهداری زمین یک میلیون تومان را از دست داده‌اید، پس هزینه پنهان نگهداری زمین یک میلیون تومان است. یا فرض کنید که ارزش زمین بیست میلیون تومان است و نرخ بهره نیز ده درصد است، شما می‌توانستید زمین را بفروشید و در بانک سپرده‌گذاری کنید و دو میلیون تومان به‌دست آورید، پس هزینه پنهان نگهداری زمین دو میلیون تومان می‌شود. البته دقت کنید که هزینه پنهان بهترین فرصتی است که از دست می‌دهیم، برای مثال، اگر بتوانیم زمین را اجاره دهیم یا بفروشیم هزینه پنهان نگهداری زمین دو میلیون است نه یک میلیون تومان حاصل از اجاره. بنابراین، درحالی‌که هزینه‌های حسابداری صفر است هزینه اقتصادی مخالف نیز صفر است. اگر تعداد انتخاب‌های ممکن برای این شخص بیشتر از دو مورد باشد و او یکی را انتخاب کند هزینه فرصت او بهترین انتخاب از بین